



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۳/۰۵/۲۰

یونس نگاه

اصول انسانی

نیروهایی که تریبون یک سویه داشته باشند و دایم به مردم دستور دهند و قواعد وضع کنند بی آن که خود به هیچ قاعده‌ای پایبند باشند، از مردم مالیات و عشر بخواهند بی آن که خدمات عرضه کنند، جنگجو و خون بطلبند بدون آن که برای تامین آرامش و صلح نیت و برنامه‌ای داشته باشند، در این عصر بیرون از افغانستان نیز زنده اند؛ اما چنین نیروهایی به ندرت در زمان ما می‌توانند دولت بسازند یا کشوری را به قبضه خود بگیرند. قاعده رایج جهان امروز این است که رابطه مردم و دولت‌ها بر مبنای قانون و اصول تعریف شده تنظیم شود. آن اصول محصول تجربه جوامع است و در نتیجه گفت‌وگو، مبارزه و تبادل نظر طولانی طی قرن‌ها انباشته شده و شکل گرفته است. عنوان کلی آن توافقات جمعی را اصول انسانی می‌توان گفت. اصول انسانی همان طوری که از عنوانش پیدا است، فرمان امیر، شریعت امارتی یا دستور یک گروه غاصب نیست، بلکه قواعدی است که معیار درستی آن‌ها منافع جمعی مردم و حقوق فردی هر انسان می‌باشد.

در یک سده اخیر که ارتباطات وسیع گردید و رویارویی و تماس دولت‌ها و جوامع افزایش بی‌پیشینه یافت، تلاش‌هایی برای معرفی قواعدی که روابط متقابل ملت‌ها و دولت‌ها را تعریف کند، انجام شد. منشور سازمان ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر دو سند پایه و معیار اصول انسانی و بین‌المللی است. اصول انسانی و اصول بین‌المللی مکمل و در هم تنیده است. همه جوامع انسانی به قواعد اصلی این دو گروه از اصول توافق کرده‌اند و تفاوت‌های جزئی فرهنگی در چگونگی تطبیق آن‌ها باقی مانده است. اصول یادشده بسیار بدیهی و عینی است. مثلاً ماده اول اعلامیه حقوق بشر می‌گوید: «تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق باهم برابرند. همه دارای عقل و وجدان هستند و باید نسبت به یکدیگر با روح برادری رفتار کنند».

خلاف اصول پیچیده و فریبنده‌ای که نیروهایی چون طالبان با ادبیات کهنه و فرمان‌های مبهم بیان می‌کنند، این چند اصل بشری هیچ ابهام و پیچیدگی ندارند. برای همه قابل فهم است و درکش به ملایبی نیازمند نیست. سخنگوی طالبان دیروز در واکنش به یک حادثه به اهمیت رعایت اصول انسانی و اصول بین‌المللی اشاره کرده است. اولین ماده معروف‌ترین سند اصول انسانی که در بالا نقل شد، تمام افراد بشر را آزاد و دارای حقوق برابر می‌خواند. طالبان اما انسان‌ها را آزاد نمی‌پذیرند و تعریف متفاوتی از آزادی دارند. یک بار همین سخنگوی طالبان در سخنرانی گفته بود که آزادی یعنی عبادت و آماده‌گی برای جهان بعد از مرگ. آن گروه برابری انسان‌ها را از بنیاد رد می‌کند، از جمله زنان را رسماً ناقص و ناتوان اعلام کرده و از فعالیت‌های اجتماعی، کار و تحصیل محروم کرده است. خلاف حکم ماده اول اعلامیه جهانی حقوق بشر، طالبان همه را دارای عقل و مستحق رفتار برادرانه نمی‌داند.

مواد دیگر آن اعلامیه که به حقوق فرهنگی، قومی و نژادی، جلوگیری از تبعیض، حق زندگی، آزادی، امنیت و عدم شکنجه و توقیف خودسرانه و امثال آن پرداخته است، اصول انسانی است که در خیلی از جاهای جهان به صورت نسبی رعایت می‌شود، ولی با تاسف بشر هنوز در تطبیق کامل آن‌ها ناتوان است. حداقل در جوامع دیگر قدم‌هایی در آن مسیر برداشته شده و حاکمان رسماً آن‌ها را خلاف اصول مذهبی، گروهی و امارتی خود اعلام نمی‌کنند. طالبان تنها گروهی است که قدرت را در یک کشور به دست گرفته، مدعی رسمیت جهانی اداره‌اش است، اما آشکارا و با فرمان و به بهانه «شرع» علیه آن اصول انسانی ایستاده است و افرادی را که خواهان رعایت اصول ابتدایی انسانی‌اند، سرکوب و حذف می‌کند. رعایت اصول انسانی و اصول بین‌المللی که گروه طالبان از اسرائیل می‌خواهد، دو عنوان اصلی خواسته‌های مردم افغانستان از طالبان است. طالبان در سرزمین ما نقش بسیار ویرانگرتر از نیروهای اسرائیلی در سرزمین فلسطین بازی می‌کنند.

د پانوی شمیره: له 1 تر 1

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنې دلیکنیزې بڼې پزوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ